



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۲	تاریخ	۱۴۰۱/۰۸/۲۹
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره و اخواتها				
عنوان ۴	بررسی حجیت سیره عقلاء				
عنوان ۵	جمع بندی مباحث سیره عقلاء				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

### جمع بندی مباحث سیره عقلاییه

جمع بندی مباحث گذشته در رابطه با سیره عقلاییه چنین شد که گفتیم آنچه استاد شهید رضوان الله تعالی علیه به عنوان سیره عقلاییه منقح موضوع حکم شرعی بیان کردند، مربوط به عرف عقلایی تأثیر گذار در ظهور لفظ است. مرجع در تشخیص مفاهیم الفاظ در شبهات مفهومی یا تطبیق مفهوم بر مصداق در شبهات مصداقیه، عرف است و گفتیم این بحث، خارج از بحث سیره عقلایی است؛ گرچه ایشان به سیره عقلاییه منقحه موضوع تعبیر کرده اند. گفتیم مراد ما از سیره عقلاییه، رفتار عقلایی است که بتواند منجر به حکم شرعی شود؛ اما تعیین مفاهیم الفاظ یا تطبیق مفاهیم بر مصداق، خارج از بحث سیره عقلاییه بما هی سیره عقلاییه است. بر فرض اینکه ما سیره عقلاییه را حجت ندانیم، مع ذلک مرجع در تعیین مفاهیم الفاظ و تعیین مصداق مفاهیم، عرف است؛ این مسأله دیگری غیر از مسأله سیره است؛ لذا گفتیم مسامحتاً می شود سیره عقلاییه منقحه موضوع را سیره نامید؛ اما در حقیقت، عرف عقلایی است که مربوط به عالم نظر و فهم است؛ نه مربوط به عالم عمل و سیره.

در بحث سیره سرانجام به این نتیجه رسیدیم که سه نوع سیره عقلاییه وجود دارد؛ این تقسیمی که برای سیره عقلاییه مطرح می کنیم، در نوع حجیت سیره و حدود حجیت آن تأثیر دارد.

نوع اول، سیره عقلاییه معاصر با زمان معصوم که فعل خود معصوم نیز در ضمن سیره است. سیره عقلاییه ای که بدانیم معصوم، سیره دیگری غیر از سیره عقلاء در آن زمینه نداشته است و اگر سیره ای غیر از سیره عقلاء داشت، حتماً به ما می رسید - مانند سیره عقلاییه بر حجیت ظهور - در حقیقت بازگشتش به فعل معصوم است؛ لذا حجیت آن متوقف بر احراز عدم ردع یا امضای شارع نیست. این نوع سیره، به لحاظ اینکه فعل معصوم است، دارای حجیت است؛ نه به لحاظ اینکه سیره است. حجیت این نوع سیره، نظیر حجیت اجماع دخولی است که حجیت آن به دلیل حجیت اجماع نیست؛ بلکه از این جهت که متضمن قول معصوم است حجت است.

نوع دوم سیره عقلاییه نیز سیره عقلاییه معاصره با معصوم است با این تفاوت که دخول فعل معصوم در این سیره برای ما احراز نشده است. برای حجیت چنین سیره‌ای به واسطه‌ای نیاز است که سکوت شارع در برابر چنین سیره‌ای را کاشف از تقریر ایشان قرار دهد.

حجیت این نوع سیره، از باب تقریر معصوم است و چنین نیست که خود معصوم در ضمن عاملین به این سیره باشد؛ اما سیره، سیره‌ای است که در برابر معصوم انجام گرفته است؛ در اینجا باید با سکوت معصوم، رضای معصوم را اثبات کنیم؛ لذا باید شرایطی در سکوت معصوم فراهم شود که سکوت، موجب ظهور حالی در رضا شود؛ در غیر این صورت اگر شرایطی فراهم نباشد که سکوت شارع را ظاهر در رضایت حالی کند، چنین سیره‌ای نمی‌تواند حجت باشد. این شرایط را در جلسات گذشته توضیح دادیم؛ به طور خلاصه اینکه مقتضی بیان مخالفت وجود داشته باشد و مانعی نیز از بیان وجود نداشته باشد به توضیحی که در گذشته در رابطه با چیستی مقتضی و مانع بیان کردیم. در مواردی که مقتضی بیان مخالفت شارع وجود داشته باشد و مانعی از این بیان وجود نداشته باشد، سکوت شارع در برابر سیره عقلاییه، ظهور حالی در تقریر آن خواهد داشت. این ظهور حالی سکوت است که حجت می‌شود.

بنابراین بازگشت حجیت این نوع سیره، به تقریر معصوم است؛ لذا باید شرایط تقریر معصوم در چنین سیره‌ای فراهم شود. نوع سوم از سیره عقلاییه، سیره‌ای است که معاصرت آن با معصوم را احراز نکرده‌ایم و یا اینکه می‌دانیم مستحده است. چنین سیره‌ای به هیچ وجه نمی‌تواند دارای دلیل بر حجیت باشد و نمی‌تواند کاشف از حکم شرعی باشد؛ نه از باب وجوب بیان، نه از باب امر به معروف و نهی از منکر و نه از باب ظهور سکوت در رضای به این سیره متأخره از زمان شارع.

سکوت نسبت به این سیره، به این دلیل ظهور در رضا ندارد که تقریر یا سکوت هنگامی ظهور دارد که فعل در زمان شارع انجام گیرد؛ این ظهور عرفی است و مخصوص شارع نیست؛ هر مسئولی که در حوزه مسئولیت او کاری انجام گیرد و او در برابر آن کار سکوت کند، عرف سکوت او را ظهور حالی در رضا می‌داند؛ لذا این ظهور متوقف بر این است که سیره، معاصر با معصوم باشد.

همچنین از باب امر به معروف نمی‌شود حجیت چنین سیره‌ای را اثبات کرد زیرا اگر بخواهیم از باب امر به معروف و نهی از منکر بخواهیم حجیت این سیره را اثبات کنیم، باید امر به معروف به گونه‌ای باشد که بدانیم بیانات قبل از عمومات و اطلاعات، در ردع کفایت نمی‌کند و الا اگر اطلاعات و عمومات مبینۀ شارع در ردع کفایت کند، دیگر شارع امر به معروف و نهی منکر خود را انجام داده است؛ مگر اینکه گفته شود این سیره، چنان سیره‌ای باشد که ردع اطلاقی یا عمومی در ردع آن کفایت نکند؛ زیرا سکوت در برابر چنین سیره‌ای ظهور در رضا ایجاد می‌کند؛ لذا نباید به آن اطلاعات و عمومات در ردع اکتفاء کند؛ بنابراین برگشتش به ظهور خواهد شد و گفتیم سکوت هنگامی در رضا ظهور دارد که سیره، سیره معاصره باشد. این نوع سیره از باب وجوب بیان نمی‌تواند نیز حجت باشد به این دلیل که گفتیم دلیل وجوب بیان، اثبات نمی‌کند که بر شارع لازم باشد حکم خود را با بیان زائدی از اطلاعات و عمومات بیان کند؛ به عبارت دیگر دلیل وجوب بیان، لزوم بیان زائد بر عمومات و اطلاعات را اثبات نمی‌کند.

بحث سیره عقلاییه در اینجا به پایان رسید.